

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

فقه هنر؛ غنا و موسیقی

بین غنا و موسیقی آن چه بیشتر مد نظر است غنا است؛ چون موسیقی به عنوان نواختن آلات اگر معنا کنیم، در همان بحث لهو و لغو و لعب باطل آمده است ...

اما غنا در ادله آمده و مورد بحث علما واقع شده است ...

فی حکم الغنا؛ فقهیا ...

شرعیا را وقتی میگوئیم که می خواهیم خدمت ادله برویم اما فقهیا یا فقها را زمانی می گوئیم که می خواهیم خدمت علما برویم ...

باید برویم و ببینیم وضعیت چه طوری است از نظر اتفاق یا اجماع و یا اختلاف ... و بعد از آن ممکن است نگاهمان به ادله تصحیح شود.

لذا من اول موقعیت مساله را بررسی میکنم و بعد به مسائل دیگری می پردازم ..

در جواهر ادعا شده اجماع ، به قسمیه علی حرمة الغنا ؛ اجماعا منقولا و اجماعا محصلا ..

نراقی: لا خلاف بل الاجماع، بل ضرورة دينية علی حرمة الغنا....

صاحب ریاض: علیه اجماع العلماء و هو الحجة ...

مطلب دوم این است که: آیا غنا حرام است مطلقا بدون استثنای فرد یا حرام است فی الجملة ؟

یا اصلا مقارناتش حرام است و خودش حرام نیست...

بسیاری از بزرگان را داریم که اطلاق حرمت غنا را زیر سوال برده اند...مثل شیخ در استبصار در قسمت برخی اخبار جواز

فرموده : این اخبار، مربوط به جایی است که لا یتکلم بالباطیل و لا یلهی بالملاهی و العیدان بل کان ممن یزف العروسو

یتکلم بها بانشاد الشعر و القول البعید عن الفحش و الاباطیل

و بعد گفته و هو ظاهر الكلینی

از شیخ طبرسی هست که اگر در قرآن، صدا را زیبا کنند، اشکال ندارد.

سید مرتضی هم عبارتش اشعار دارد ...

فاضل در منتهی ...محقق اردبیلی ، سبزواری در کفایه...:

سبزواری میگوید: فی عدة من الاخبار، روایاتی که دلالت بر حرمت غنا میکند ، اشعار بگونه لهوا باطلا و صدق ذلك فی القرآن ،

دعوات ، الاذکار المقروئة بالاصوات الطيبة المذكرة للاخرةمحل تامل.

سبزواری :لا ريب فی تحريم الغنا علی سبيل اللهو بل الاقتران بالملاهی و نحوها اما ان ثبت اجماع فی غيره کان متبعا و الا بقی

حکمه علی اصل الاباحة ...

در ادامه می گوید: استثنی بعضهم مراثی الحسین علیه السلام وهو غیر بعید.

فیض کاشانی : لا باس بالسماع التغنی بالاشعار المتضمنة ذکر الجنة و النار و التشویق الی دار القرار ووصف نعم الله الملك

الجبار و ذکر العبادات و الترغیب الی الخیرات و ... و نحو ذلك...بعد این عبارت را بیان می کند و می گوید:

الذی يظهر لی من مجموع الاخبار الواردة فی الغنا و يقتضیه التوفیق بینهما اختصاص حرمته و حرمة ما يتعلق به بما کان علی

النحو المتعارف فی زمن بنی أمية

میگوید این روایات عصری است.. ناظر به عصر خاصی است؛ آن غناهایی که زمان بنی امیه بوده... من دخول الرجال علیهن و استماعهم لقولهن و تکلمهن بالباطیل و لعبهن بالملاهی و بالجمله ما اشتمل علی فعل محرم دون ما سوا ذلك صاحب جواهر: من الغریب ما وقع لبعض متأخر المتأخرین طبعاً للمحکی عن الغزالی من عدم الحرمة فیما لم یقترن بالمحرم الخارجی كالضرب بالعود و الکلام بالباطل و نحو ذلك

جواهر میگوید: جناب فیض! شما میگویید این ها غنا نیست اگر همراه با محرم باشد اصلاً قابل قبول نیست... ممکن است شما بگویید من قبول دارم غنا است اما اگر همراه این ها نباشد، حرام نیست.

این جا مطلبی که هست این که مثل فیض میخواهد بگوید اگر با اباطیل و ملاهی همراه شد، این صوت هم حرام می شود و یا این که نه... می خواهد بگوید این مقارنات است که حرام است. سوال این است که همراه شدن با محرمان می شود واسطه در ثبوت؟ و خودش هم حرام می شود؟ یا می شود واسطه در عروض و خودش هیچ زمانی حرام نیست. ثمره اش این جا ظاهر می شود که اگر کسی را دعوت کردند که بخواند، اگر به کنیزی گفتند بخوان و او شروع به خواندن کرد اما در کارهای مستمعین که کارهای فلان و بهمان می کردند دخالتی نداشت این پولش حلال است... بنابراین این که واسطه در عروض باشد... ولی اگر گفتیم که نه اگر همراه این ها شد، خودش هم حرام میشود، قهراً نمی تواند که پول بگیرد..

مرحوم امام خمینی عبارتی دارد و ایشان گفته است که الظاهر، منهما (سبزواری و فیض کاشانی) ان الغنا المقارن لها حرام لا ان المقارنات حرام فقط... و لذا حرم اجرهن و تعلیمهن الاستماع منهن

این را من از مکاسب محرمة مرحوم امام خمینی (ج 1، ص 210) آوردم... ایشان برداشتش این است که واسطه در ثبوت است و شیخ انصاری واسطه در عروض است...

جناب سبزواری یک کتابی دارد که آن جا هم تفصیل میدهد ..

تمام این ها فقه شیعه بود....

که این ها غنا را موسع معنا می کردند و بعضاً به صدای خوب معنا می کردند... یا بعضاً گفته اند که صوت زیبای با ترجیع و یا صوت زیبای مطرب... و یا صوت زیبای مطرب با ترجیع... و یا صوت زیبای با ترجیع مناسب با مجالس لهو و لعب... سوال این است که آیا این ها روی یک نظر روی تفسیر غنا اتفاق نظر داشتند؟

من این جا وقتی به قسمت تحقیق رسیدم گفته ام:

قد عرفت فی البحث عن مفهوم الغنا، الشقاق بینهم فی تفسیر الغنا بین موسع فی تفسیره و مضیق و علیه فسرد الاقوال و الآراء فی المساله و تنظیمها لیس بسهل یسیر فقد یقصد القائل بحرمة شیئا من الغنا فی حین یقصد الاخر القائل بالجواز شیئا آخر من دون ان یکون فی الواقع بینهم شقاق و خلاف فی الحكم

اگر خواستیم بگوییم قضیه اختلافی است با ید موضوع و متعلق حکم را دقیقاً مشخص کنیم .

یک گزارشی هم از فقه اهل سنت بدهم ...

رای الناس فی المساله

من این جا نوشتم و البته مطلب را از جناب سبزواری من این جا آورده ام :

اختلفت العامة فی المساله اختلافاً کثیراً واضطرب الناس فی نقل مذاهب فقهاء الاربعة ... فنقل الشیخ فی الخلاف (از ابوحنیفه) و حکى عن مالک اباحتہ

یک مناسبت

و جالب این است که من تحقیق کردم و به این نتیجه رسیدم که واژه یکره هم برای کراهت و هم حرمت به کار می رفته است . و واژه واجب هم هر جا به کار رفته به معنی ثابت است... یعنی مشروع یعنی بدعت نیست؛ و آیا به این معنی است که واجب است؟ آقای خویی می گوید بینه هر جا آمده به معنی امر روشن است ..

و یا آیه قرآن است که انما المشرکون نجس... سوال این است که آیا این نجس این جا به معنی نجس فارسی است؟

و باز من این جا نوشتم :

والعجب ان بین الناقلین ان رای العامة فی المساله خلافاً فقال بعضهم

ان الاصحاب و التابعين و المالک و الشافعی و ابا حنیفه کانوا مجمعين علی جوازه
احتمالا هم آن ها کلمه مکروه فریشان داده است.
جزیری کتابی دارد به نام الفقه علی المذاهب الاربعة...ایشان نظریهای فقهای اربعه را نقل میکند.
ابن حجر عسقلانی گفته یازده نظر در این باره هست
من الحرمة علی الاطلاق و الکراهة و الاباحة كذلك و التفصیل بین الكثير و القلیل ...
انشالله هفته آینده میرویم سراغ تحقیق ...
این ها تتبع در متون بود و از هفته آینده می رویم سراغ تتبع در ادله...و قطعاً تحقیق را هم صورت می دهیم ... انشا الله.

الحمد لله رب العالمین